



فیلسوفان جدید ما نظام ندارند/ ابن سینا با نظام ارسطویی درافتاد

یک استاد دانشگاه علامه طباطبائی با بیان اینکه ابن سینا و سهروردی هر دو نظام ساز بودند، گفت: ابن سینا از سویی نظام ساز بود ولی از سوی دیگر با همان نظام ارسطویی درافتاد.

یک استاد دانشگاه علامه طباطبائی با بیان اینکه ابن سینا و سهروردی هر دو نظام ساز بودند، گفت: ابن سینا از سویی نظام ساز بود ولی از سوی دیگر با همان نظام ارسطویی درافتاد.

دکتر قاسم پورحسن عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی درباره ویژگی های نظام سازی در حوزه اندیشه به خبرنگار مهر گفت: واژه نظام سازی به عنوان یک اصطلاح متأخر در مطالعات فلسفه اسلامی از ویژگی هایی برخوردار است، در صورت توجه به این ویژگی ها می توانیم به این ارزیابی برسیم که فلسفه اسلامی دوره گذشته و جدید، چه تفاوت هایی با هم دارند.

وی افزود: مهمترین مسئله در خصلت های نظام سازی، مولفه های همبسته در یک نظام هستند که با وجود روابط درونی، بیرون از رویکرد نظام گونه یا ساختار گونه خود، قابل فهم نیستند. به عبارت دیگر بر اساس این نگاه نظام گونه، اجزای یک فکر فلسفی دارای چنان پیوند و ارتباط متقابل و متعامل گونه ای هستند که هیچ کدام از آن اجزا به تنهایی و بیرون از آن نظام نه تنها معنا ندارند بلکه قابلیت شکل گیری و ظهور و بروز نیز ندارند.

وی افزود: اگر نظام را به این معنا بگیریم که تمام سازه ها و مولفه های یک فکر فلسفی فقط و فقط بر اساس آن نظام شکل می گیرند عنوان #171؛ مطالعه هم زمانی؛ را می گیرند، مطالعه همزمانی مطالعه نظام مند گونه و غیرتاریخی است. مطالعه ای است که برخلاف مطالعه #171؛ در زمانی؛ که به یک نگاه فرآیندی توجه می کند، اجزاء آن به تنهایی معنا ندارند.

این محقق و استاد دانشگاه در ادامه به ویژگی دیگر نظام اشاره کرد و گفت: مهمترین ویژگی ارتباط درونی، ذاتی، متقابل و متعامل گونه اجزا و مولفه های آن است. بر این اساس است که معتقدیم ابن سهروردی پاسخ داد: مجموعه آراء و مطالعات ابن سینا منتهی به یک نظام شد اما نه آن نظامی که امروزه از آن تعبیر به نظام هگلی می کنیم یا آن چه که هایدگر به مخالفت با نظام سازی تعبیر می کند.

وی تأکید کرد: ابن سینا از سویی نظام ساز بود ولی از سوی دیگر با همان نظام ارسطویی درافتاد، دو کتاب #171؛ الانصاف؛ و #171؛ اقسام الحکمه؛ گواه بر این موضوع هستند. این موضوع در مورد سهروردی نیز صدق می کند، او وقتی از فلسفه اشراقی سخن می گوید خود را نه مبدع آن نظام که پیرو آن نظام می داند. از همین رو نمی توان گفت فیلسوفان ما وقتی وارد نظامی می شدند خود را محدود به آن نظام کرده و تابع و مقلد تمام و کمال آن نظام می شدند.